

جستجو در درختواره

خارج فقه
خارج اصول
اخلاق
تفسیر
عقاید

«حدیث اخلاقی: هماسیه بد»

متن حدیث:

قال الباقر(علیه السلام): من القواصم التي تقصم الظهر جار السوء إن رأى حسنة أخفاها و إن رأى سيئة افشاها.(1)

ترجمه حدیث:

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: ا چیزهایی که پشت انسان را می شکند، همسایه بد است که اگر کار نیکي از شما ببیند پنهان می کند و اگر کار خلاف یا بدی ببیند افشا می کند.

شرح حدیث:

در احادیث معصومین(علیهم السلام) تعبیر قواصم ظهر متعدّد است. شکستن دست و پا مانع از حرکت نیست ولی اگر پشت انسان بشکند توان حرکت از او سلب می شود. به خطر افتادن مسائل اصولی، مثل توحید یا نبوت و یا ولایت به منزله شکستن پشت است ولی اگر فروع به خطر بیافتند مانند سؤالاتی در مورد این که اِهْه بالاترند یا دیگر پیامبران و یا در میان شهدای کربلا غیر از امام حسین(علیه السلام)کدام بالاترند؟ مشکل چندانی نیست و در پاسخ این سؤالها می گویم همه نورند و جای مقایسه نیست و مقایسه در این امور خلاف آداب است، ولی اینها از مسائل اصولی نیست و نباید مسائل اصولی را رها کرده و چنین مسائلی مطرح گردد.

از جمله روایاتی که تعبیر قاصمات ظهر دارد روایت ذیل است:

قال الباقر(علیه السلام): ثلاث قاصمات الظهر: رجل استكثر عمله و نسى ذنوبه و أعجب برأيه.(2)

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: سه چیز است که پشت انسان را می شکند: انسانی که عمل خیری انجام داده و در نظرش بزرگ است (چون کسی که عمل خودش را بزرگ بداند کمتر سراغ کارهای خیر می رود و باعث شکست و عقب ماندگی اوست) و گناهانش را فراموش کرده و فقط عقیده و رأی خود را صحیح بداند (چنین شخصی مغز و فکر شورایی ندارد در حالی که پیشرفت کارها یا مشورت صحیح است، شخص در خویشت محاصره است و اشتباه کرده و به بیراهه می رود و پشتش می شکند). امور دیگری هم در روایات به عنوان قاصمات ظهر ذکر شده است.

روایت فرمود: همسایه بد کمر انسان را می شکند، چرا؟

انسان ممکن است با پدر و مادر یا برادرش یک جا نباشد ولی همیشه با همسایه زندگی می کند و گاه همسایه از پدر و مادر به انسان نزدیکتر است. اگر همسایه بد باشد کار خوب را پنهان و کار بد را افشا می کند و آبروی همسایه را می برد و زندگی با چنین همسایه ای بسیار مشکل است و کمر انسان را می شکند.

در روایات آمده که وقتی خانه ای را می بینید ابتدا بنای ساختمان را نبینید بلکه ابتدا همسایه اش را ببینید بعد خانه را.

از اینجا پلی به مسئله همهی می زنیم و آن این که همسایگی فقط همسایگی در خانه نیست بلکه در میان کشورها هم هست؛ وای از آن روزی که یک کشور همسایه خوبی نبوده و اسباب دردسر باشد. کشورهای اسلامی با ما رابطه خوبی دارند ولی در درون برخی از این کشورها افرادی پیدا می شوند که دائماً اسباب دردسر هستند؛ یک روز فتوای قتل شیعیان را می دهند و روز دیگر فتوای تخریب مشاهد مشرفه، را آتیا اینها در دنیای امروز زندگی نمی کنند که مرتب آتش نفاق روشن می کنند؟! از اینها می پرسیم چرا مشاهد مشرفه اشکال دارد؟ در پاسخ می گویند برای این که بدعت است. وقتی می پرسیم چرا بارگاه پیامبر(صلی الله علیه وآله) در مدینه باقی است، جوابی ندارند و بعضی می گویند اگر بتوانیم آن را هم تخریب می کنیم و بعضی می گویند اگر تخریب کنیم صدای تمام مسلمانان دنیا در می آید و از اینجا معلوم می شود که تمام مسلمانان دنیا با اینها مخالفند و سخنانشان بر خلاف تمام مسلمانان جهان است. باید حکومتهای این افراد بر کار آنها نظارت کنند. این عده در مناطق مختلف دنیا آتش روشن می کنند، در لبنان تروه‌های مختلفی کردند تا آتش درگیری بین شیعیان و دیگر گروهها را ایجاد کنند و فعالیت آنها در ایران و عراق و افغانستان همه در یک راستاست.

در ایران از یک سو تعدادی سپاهی را شهید کردند و از سوی دیگر می خواستند تعدادی از علمای اهل سنت را بکشند تا اختلاف و درگیری شیعه و سنی راه بیاندازند، در حالی که سرنج دست بیگانگان است و یک عالم غای بی سواد و یا یک عده فریب خورده را تحریک می کنند تا به اهداف خود برسند. مسلمانان و علمای اسلام باید بیدار باشند و هشدار دهند و جلوی قلمهای مسموم را بگیرند. چرا دنیا به مسلمانان برچسب توحش می زند؟ چون عده ای فتوا داده اند که صدها هزار نفر را بکشند و آثار باستانی مهمّ را تخریب کنند در حالی که اقلّیت کوچکی هستند. مطابق روایت از جمله قاصمات ظهر همسایه بد است که قدرت و توان انسان را می گیرد. امیدواریم که دیگران که اکثریت جهان اسلام را تشکیل می دهند بیدار شوند و بتوانند این توطئه را در نقطه خفه کنند و اجازه ندهند که افراد فریب خورده آتش نفاق را روشن کنند که غمّه آن فقط برای ابر بدرترتیا و صیونیستها است.

در مورد مسئله ملک منزلزل: مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی در حاشیه عروه بیانی دارد و می فرماید: اگر قائل به فسخ علی البذل باشیم به این بیان که به عنوان مثال پولی به من داده و مصالحه کرده ولی حق فسخ برای خود قرار داده و می گوید اگر می خواهی پول را خرج کن ولی وقتی فسخ کردم عوض آن را به من بده، اگر این شخص بتواند به مگه برود و برگردد و اگر فسخی واقع شد بدل را بپردازد، جشش صحیح و واجب است و مشکلی ندارد و ما هم که گفتیم نمی تواند تصرف کند، در جایی است که فسخ روی عین باشد ولی اگر فسخ روی بدل باشد تصرف اشکال ندارد.

بحث در فرع دوم از مسئله 27 در این بود که اگر بعد از تمام اعمال هزینه بازگشت یا ما به الکفایة از بین برود آیا این سبب می شود که استطاعت منقضي شده و جشّش ندی شود؟

مسئله اختلافی و دارای دو قول است:

1. عدم اجزا که صاحب جواهر و بسیاری از محشّین عروه به آن قائلند.

2. حج مجزی و حجّة الاسلام است از جمله قائلین این قول مرحوم صاحب مدارک است که کلام ایشان را مرحوم آقای حکیم چنین نقل می کند:

في المدارك قال(رحمه الله): فوات الاستطاعة - بعد الفراغ من افعال الحج - لم يؤثر في سقوطه قطعاً و إلا لوجب إعادة الحج مع تلف المال في الرجوع أو حصول المرض الذي يشقّ السفر معه و هو معلوم البطلان.(3)

مرحوم محقق سبزواری کلامی قریب به کلام صاحب مدارک دارد و مرحوم صاحب جواهر در چند خط این بحث را ذیل مسئله دیگری مطرح کرده و بعد از نقل کلام مدارک می فرماید:

قد يمنع معلومیة بطلانه بناء علی اعتبار الاستطاعة ذهاباً و ايباً في الوجوب.(4)

مرحوم صاحب عروه فیه وجهان می گوید و مجزی بودن را اقوا می داند ولی صاحب جواهر معلومیّت بطلان را قائل است.

جمعی از محشّین عروه حج را صحیح دانسته اند ولی مرحوم امام مجزی از حجّة الاسلام غی داندند پس مسئله دو قول دارد صاحب مدارک و صاحب ذخیره و صاحب عروه قائل به اجزا ولی صاحب جواهر و بسیاری از محشّین عروه قائل به عدم اجزا هستند و ما معتقد به اجزا هستیم چون تمام اعمالش را انجام داده و در برگشت دچار مشکل شده و این موجب بطلان نمی شود.

دلیل قائلین به عدم اجزا: شرطیت استطاعت ذهاباً و ايباً

استطاعت ذهاباً و ايباً شرط است و اگر کسی فقط پول رفتن را دارد و پول برگشت ندارد، مستطیع نیست، پس ظاهر اطلاقات این است که استطاعت ايباً و ذهاباً شرط است.

ادله قائلین به اجزا:

از لایبای کلمات بزرگان چند دلیل استفاده می شود و دلیلی هم ما داریم:

1. **روایات:**

روایات باب 26 از ابواب وجوب الحج و شرائطه می فرماید: «من أحرم و دخل الحرم ثمّ مات أجزاءً عن حجّة الاسلام» کسی که محرم شده، داخل حرم شود و سپس میرد اگر هنوز عملی هم انجام نداده جشش صحیح است و لازم نیست قضا کند که این روایات متعدّد است.

قنا: این روایات از دو جهت قانع کننده نیست:

اولاً: قیاس است چون مرض و از دست دادن مال را با مرگ مقایسه شده است.

ثانیاً: قیاس مع الفارق است چون خداوند به کسی که از دنیا رفته و دست کوتاه شده ارفاق کرده و لازمه اش این نیست به کسی که زنده است و می تواند دوباره حج به جای آورد ارفاق کند.

2. **سکوت نصوص:**

مرحوم آقای حکیم می فرماید:

نعم سکوت النصوص عن التعرّض لذلك مع كثرة الطوارئ الحادث في كل سنة علی بعض الحجّاج ... ربما یكون دلیلا علی الاجزاء.(5)

نصوص ساکت است و این سکوت دلیل است، چرا که بسیاری از مردم در زمان اِهْه(علیهم السلام) در برگشت از حج مریض می شدند و یا سارقین اموال آنها را غارت می کردند و یک مسئله مبتلی به بوده، خصوص در آن زمان که جاده ها نا امن بود و همه ذهنیشان این بود که حج به جای آورده اند و جششان کامل است و کسی به ذهنش نمی آمد که جشّش باطل باشد آیا نباید اِهْه(علیهم السلام) می فرمودند که اگر استطاعت شما زائل شد برگردید و سال آینده حج به جای آورید؟ پس از این که نصوص ساکت هستند معلوم می شود که ذهنیّت عرف (اجزا) را پذیرفته اند.

3. **هزینه ایاب جزء استطاعت نیست:**

مرحوم آقای حکیم می فرماید ما هزینه ایاب را جزء استطاعت نمی دانیم بلکه هزینه ایاب را از باب عسر و حرج می گویم نه از باب استطاعت، پس هزینه ایاب معتبر است ولی نه از باب ادله استطاعت بلکه از باب ادله نفی عسر و حرج.

آیا دلیل عسر و حرج در این مسئله جاری می شود؟ خیر چون دلیل عسر و حرج از باب مَنّت و امتنانی است و جایی را که جنبه امتنانی دارد شامل می شود و ما نحن فیه که دزد اموال شخص را برده اگر گفته شود که سال آینده به حج برو و این حج باطل است، خلاف امتنان است، پس دلیل نفی عسر و حرج مال باخته را نمی گیرد چون معنائیش این است که جشّش باطل است.

^[1] وسائل ج 8، ح 1، باب 89 از ابواب آداب العشرة

^[2] وسائل، ج 1، ح 6، باب 22 از ابواب مقدّمة العبادات

^[3] مستمسک، ج 10، ص 115

^[4] ج 17، ص 301

^[5] مستمسک، ج 10، ص 115

مطالب مرتبط

128- م 46(توقّف تخلیة السرب علی قتال العدو) - 16/03/86

127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86

126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) - 08/03/86

124 - ادامه مسأله 44 - 07/03/86

123 - ادامه مسأله 44 - 06/03/86

* متن

تعداد بازدیدکنندگان : ۲۴۸۳



فارسی

العربية

اردو

Azerbaijani

Русский

English

Español

Français